

غزل شماره ۳۰۷

هر نکته‌ای که کتّم در وصفِ آن شمایل
هر کوشنید کفایتِ درِّ قائل

تحصیلِ عشق و رندی آسان نمود اول
آخر بسوخت جانم در کسبِ این فضایل

حلّاج بر سردار این نکته خوش سُرّاید
از شافعی نپرسند امثالِ این مسائل

گفتم که کی بخشی بر جانِ ناتوانم؟
گفت آن زمان که بُود جان در میانه حائل

دل داده ام به یاری، شوخی کشتی گلاری
مَرَضِيَّةُ السَّجَايَا مَحْمُودَةُ الْخَصَائِلِ

در عینِ گوشه گیری بودم چو چشم مست
و اکنون شدم به مسان چون ابروی تو مایل

از آب دیده صدره طوفانِ نوح دیدم
وز لوح سینه نقشت هرگز نکشت زایل

ای دوست دستِ حافظِ تعویذِ چشم زخم است
یارب بینم آن را در گزندت حایل

تفسیر فال

پشیمانی سودی ندارد و به هیچ وجه نمی‌تواند به جبران اشتباهات یا تغییر مسیر زندگی کمک کند. راهی که انتخاب کرده‌ای، هرچند دشوار و پُریچ‌وخم باشد، باید تا انتها ادامه یابد. این تجربه‌ها، ارزشمند هستند و در نهایت به رشد و بالندگی شخصیت فرد منجر می‌شوند. کناره‌گیری از مسیر تنها به معنای رها کردن آرزوها و اهداف است؛ چراکه کسی در این فراسوی چالش‌ها به تو یاری نخواهد رساند. اکنون زمان آن است که هم فکر کنی و هم عمل نمایی. تو انسانی با اراده قوی هستی و اگر تصمیم‌گیری کاری را انجام دهی، می‌توانی طوفانی از تغییرات مثبت ایجاد کنی که نه تنها بر زندگی خودت بلکه بر اطرافیان نیز تأثیر خواهد گذاشت. با ایمان به خودت پیش برو و از هر فرصتی برای یادگیری و پیشرفت بهره‌برداری کن.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)